

درس گفتارهایی پیرامون
فلسفه زیبایی شناسی
جلد دوم

اثر: گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

ترجمه از: زیبا جبلی

تهران: ۱۳۸۵

هگل، گئورگ ویلهلم فردریش. ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱ م

Hegel. Wilhelm Friedrich

درس گفتارهایی پیرامون فلسفه زیباشناسی / گئورگ ویلهلم

فریدریش هگل؛ ترجمه از زیبا جلی. -- تهران: آبنگاه، ۱۳۸۲ -

ج

ISBN 964-92120-7-8: (ج. ۱)

ISBN 964-92120-6-x: (ج. ۲)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Vorlesungen über die Philosophie der Ästhetik عنوان اصلی:

کتابنامه.

۱. زیبایی شناسی. الف. جلی، زیبا، مترجم، ۱۳۴۵ -

ب. عنوان.

۷۰۱ / ۱۷

N ۶۴ / ۵۸۵۴

۱۳۸۲

۸۳-۱۳۵ م

کتابخانه ملی ایران

درس گفتارهایی پیرامون فلسفه زیبایی شناسی

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

مترجم: زیبا جلی

لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ کتیبه

حروفنگاری: یاران علوی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

انتشارات: آبنگاه - میدان انقلاب - اول خیابان آزادی - بازار ایران -

پلاک ۹۶ - تلفن: ۶۶۹۲۷۶۲۳

فهرست

عنوان	صفحه
سخننی از مترجم.....	۳۸۹
فصل II.....	۳۹۱
تکامل ایده آل به شکل های خاص هنر.....	۳۹۱
مقدمه.....	۳۹۱
بخش I.....	۳۹۶
شکل سمبولیک (نمادین) هنر.....	۳۹۶
مقدمه - سبیل بطور کلی.....	۳۹۶
تقسیم موضوع.....	۴۱۲
فصل I.....	۴۲۵
سمبولیسم ناآگاهانه.....	۴۲۵
الف - وحدت بلاواسطه معنا و صورت.....	۴۲۶
I - کیش زرتشت.....	۴۲۸
۲ - خصلت غیر - سمبولیک زرتشتگری.....	۴۳۳
۳ - تعبیر غیر - هنری و عرضه داشت زرتشتگری.....	۴۳۵
ب - سمبولیسم خیالی (فانتاستیک).....	۴۳۸
I - استنباط هندو از برهما.....	۴۴۱
م - محسوسات، بی کرانگی و عمل شخصیت یافتگی.....	۴۴۲
منظره تزکیه و استغاثه.....	۴۵۶
ج - خود سمبولیسم.....	۴۵۸
دید و تصور فرد مصری از میت: اهرام.....	۴۶۹
پرستش مواشی و نقاب های حیوانی.....	۴۷۲
۳ - سمبولیسم کامل - ممنون ها، آیزیس و اوزیریس: ابوالهول.....	۴۷۳
فصل II سمبولیسم والا.....	۴۷۹
الف - پانته نیسم هنر.....	۴۸۳
I - شعر هندوانی.....	۴۸۵
۲ - شعر اسلامی.....	۴۸۷
۳ - عرفان مسیحی.....	۴۹۲
ب - هنر والا.....	۴۹۳
I - خدا به مثابه خالق و مالک جهان.....	۴۹۵

۴۹۷	۲ - جهان منتهای عاری از خدا
۴۹۸	۳ - فرد انسانی
۵۰۲	فصل III
۵۰۲	سمبولیسم آگاهانه شکل - هنری تطبیفی
۵۰۷	الف - مقایسه‌های ناشی از شیء برونی
۵۰۹	۱ - افسانه
۵۲۰	۲ - تمثیل، امثال و حکم، افسانه
۵۲۰	(الف) تمثیل
۵۲۳	(ب) امثال و حکم
۵۲۳	(ج) افسانه (یا حکایت اخلاقی)
۵۲۴	۳ - دگرذیسی
۵۲۷	ب - قیاس‌هایی که از معنا آغاز می‌شود
۵۳۰	۱ - چیستان
۵۳۲	۲ - استعاره
۵۳۷	۳ - استعاره، تصویر خیالی، (پندار)، تشبیه
۵۳۸	(الف) استعاره
۵۴۵	(ب) تصویر خیالی (پندار)
۵۴۸	(ج) تشبیه
۵۶۴	د - ناپدید شدگی شکل سمبولیک هنر
۵۶۶	I. اشعار اخلاقی (تعلیمی)
۵۶۷	۲ - شعر ترسیمی
۵۶۸	۳ - سخنان پندآمیز باستانی
۵۷۲	بخش II
۵۷۲	شکل کلاسیک هنر
۵۷۲	مقدمه - نوع کلاسیک بطور اعم
۵۷۸	I - استقلال کلاسیک بمثابة رسوخ متقابل روح
۵۷۸	و شکل آن در طبیعت
۵۸۵	۲ - هنر یونانی بمثابة هستی واقعی ابدتال کلاسیک
۵۸۷	۳ - وضع هنرمند بارآور در هنر کلاسیک
۵۹۱	۴ - تقسیم موضوع
۵۹۴	فصل ۱
۵۹۴	فرآیند شکل‌گیری شکل هنری کلاسیک
۵۹۷	۱ - تنزل حیوان
۵۹۸	الف) قربانی‌های حیوانی
۶۰۰	(ب) شکار
۶۰۱	(ج) دگرذیسی‌ها
۶۱۰	۲ - نبرد میان خدایان قدیمی و جدید
۶۱۴	الف) پیش‌گوئی‌ها
۶۱۷	(ب) خدایان قدیم سوای خدایان جدید
۶۲۸	(ج) چیرگی بر خدایان قدیم
۶۳۴	(ب) حفظ خدایان قدیم در عرضه داشت هنری

۲۶۲	(ج) مبدای طبیعی خدایان جدید
۲۶۳	فصل ۲
۲۶۳	ایدئال شکل کلاسیک هنر
۲۶۴	۱ - ایدئال هنر کلاسیک بطور اعم
۲۶۴	(الف) ایدئال آنگونه که بوسیله آفرینش هنری آزادانه بوجود آمد
۲۵۱	(ب) خدایان جدید ایدئال کلاسیک
۲۵۷	(ج) نوع عرضه داشت برونی
۲۵۸	۲ - جماعت خدایان خاص
۲۵۸	(الف) چندگانگی خدایان فردی
۲۵۹	(ب) فقدان ترتیب نظام مند
۲۶۰	(ج) خصلت اساسی خیل خدایان
۲۶۳	۳ - انفراد منشی خدایان بترتیب
۲۶۴	(الف) مصالح فردی شدن
۲۷۶	(ب) حفظ شالوده اخلاقی
۲۷۸	(ج) تعالی بسوی ملاحت و جذابیت
۲۸۰	فصل III
۲۸۰	مستحیل شدن شکل کلاسیک هنر
۲۸۰	۱ - سرنوشت
۲۸۲	۲ - مستحیل شدن خدایان از طریق آنتروپومورفسم آنان
۲۸۶	(ب) گذار به مسیحیت همانا فقط موضوع هنر راستین است
۲۹۰	(ج) تباهی هنر کلاسیک در حیطه خاص خود
۲۹۴	۳ - هجو
۲۹۴	(الف) تفاوت میان زوال هنر کلاسیک و زوال هنر سمبولیک
۲۹۵	(ب) هجو
۲۹۷	(ج) جهان ژمی بمنابۀ زمینی که در آنجا هجویه می شکند
۷۰۱	بخش III
۷۰۱	شکل رمانتیک هنر
۷۰۱	مقدمه - در باب رمانتیک بطور اعم
۷۰۲	I - اصل ذهنیت فطری
۷۰۳	۲ - ویژگی های مبسوط شکل و مضمون رمانتیک
۷۱۱	۳ - رابطه موضوع باشیوه عرضه داشت
۷۱۶	۴ - تقسیم موضوع
۷۱۹	فصل I
۷۱۹	فلمرو مذهبی هنر رمانتیک
۷۲۴	I - تاریخ رها بندگی مسیح
۷۲۵	(الف) بیهودگی آشکار هنر
۷۲۶	(ب) پیدایش ضروری هنر
۷۲۷	جزئیات نمود برونی، عرضی اند
۷۳۱	۲ - عشق مذهبی
۷۳۲	(الف) مفهوم امر مطلق بمنابۀ عشق
۷۳۲	(ب) قلب (یا جان)

۷۳۳	(ج) عشق بمثابه ایده آل رمانتیک.
۷۳۷	۳- روح جماعت.
۷۳۸	(الف) شهداء.
۷۴۴	(ب) اثابت و توبه و گروش.
۷۴۶	(ج) معجزات و افسانه‌ها.
۷۴۹	فصل II
۷۴۹	شوالیه گری
۷۵۷	(الف) مفهوم شرافت.
۷۶۱	(ب) آسیب پذیری شرافت.
۷۶۱	(ج) تجدید ساختار شرافت.
۷۶۳	(الف) مفهوم عشق.
۷۶۷	(ب) تصادمات عشق.
۷۷۰	(ج) حدوث و سباق احوال عشق.
۷۷۲	۳- وفاداری
۷۷۳	(الف) درست پیمانی در خدمت.
۷۷۵	(ب) استقلال سوبزکپیف وفاداری.
۷۷۵	(ج) تصادمات وفاداری.
۷۷۸	فصل سوم
۷۷۸	استقلال صوری خصوصیات فردی.
۷۸۲	۱- استقلال منش فردی.
۷۸۳	(الف) جازمیت صوری شخصیت (کاراکتر).
۷۸۸	(ب) شخصیت بمثابه باطن امر کلیتی تکامل نیافته.
۷۹۵	(ج) آنچه در عرضه داشت صوری؛ علقه‌ای اصلی است.
۷۹۷	(الف) حصول اهداف و تصادم‌ها.
۸۰۳	(ب) بررسی تلاقی کمیک امکان.
۸۰۶	(ج) خیالبافی رمانتیک.
۸۰۸	۳- زوال شکل رمانتیک هنر.
۸۱۱	(الف) تقلید هنری سوبزکپیف از وضع موجود.
۸۱۷	(ب) مطایبه ذهنی.
۸۲۰	(ج) پایان شکل رمانتیک هنر.

سخنی از مترجم

- زنده اندیشان به زیبایی رسند.

- ه. ا. سایه

هگل در ادامه بررسی جریان راستین تطورات هنری و دنیامیسم آن نشان می دهد که تاریخ تکامل هنر در یک نکته با تاریخ تکامل طبیعت فرق اساسی دارد. و این فرق آنست که در طبیعت، در صورتی که تأثیر متقابل انسان را کنار بگذاریم، فقط نیروهای کورولایعشر، در یکدیگر تأثیر می کنند و قوانین عمومی ضمن تأثیر متقابل این نیروهای متجلی می گردند؛ در حالیکه در هنر، انسان و آفرینش او عامل تعیین کننده است. هگل اگر چه مانند شاعر بزرگ ما، عنصری، طبیعت را کوچک وضعیف نمی سازد، اما آفرینش هنری را بالاتر از طبیعت قرار میدهد. زنده یاد هشترودی، نابعه دانشمند ریاضی نیز در باره اهمیت آفرینش هنری نکته بس قابل تعمقی را پیش می کشد و می گوید: «دانش در جستجوی چیزی است که هست، ولی هنر در پی آفرینش چیزی است که نیست».

در همین راستاست که فضای رنگین و عطر آگین این اثر، با تمام غناء و تنوع شکل و محتوای آن، وبا همه هیجان بزرگ و شریف انسانی آن، و با روح پر اعتلاء آن در برابر خواننده گسترده می شود. بسیاری از بخش های اثر او چکامه های خاصی است در مدح اقتدار خرد انسانی، شیوه ارائه مباحث او از جهت رنگامیزی و طنین، بی همتاست و گوئی خود روح نسل هاست که سخن می گوید. او که برای گنجینه های

ادبی کلاسیک ما نیز در کنار گنجینه‌های فرهنگی سایر ملل، ارزش والایی قائل است، از جمله ضمن شاهد مثال آوردن از دیوان حافظ به تحلیل عبارت نامشهود و سخنان و تعبیر اشعار او که در آنها ناگفته‌ها را ژرفایی است، دست میزنند. فرهنگ ما که ریشه در هزاره‌ها دارد و قدمت ادبیات منظوم ما که به بیش از هزار و سیصد سال میرسد، همواره توجه نسل‌های فرهیخته بشری را بخود جلب کرده و مورد ستایش آنان قرار گرفته است. نمونه بارز آن، شاهنامه فردوسی است که گذشته از اهمیت حماسی اش تنها اثر ادبی در جهان است که در آن به مسأله تکامل بشر، افروختن آتش تا خواندن و نوشتن، هر چند بطور گذرا و اسطوره‌ای، اشاره شده است و همین امر به فریبندگی جاودانی آن می‌افزاید و آن را مورد توجه قرار می‌دهد. منباب مثال، انگلس در نامه ۳۰ ژوئیه ۱۸۶۹ خود، مارکس را مطلع می‌سازد که دختر او، **التانور** - که در آن زمان در نزد انگلس بسر می‌برد: «اکنون با علاقه وافر مشغول خواندن شاهنامه است».^(۱)

هگل نیز در اثر حاضر خود فرازهایی از این اثر حماسی را نقل می‌کند. مطالعه اثر حاضر بویژه در شرایط کنونی که «تولید سرمایه داری با شاخه‌های معینی از آفرینش‌های معنوی، از قبیل هنر و شعر خصوصیت می‌ورزد»^(۲) حائز اهمیت است و در مقابله با بلاهت تخصص^(۳) که ویژگی دوران معاصر است، سلاح نیرومندی بشمار میرود. «بطبع این مطالعه، این تعبیر، و این ترویج دیالکتیک هگلی، بغایت دشوار است، و این نخستین آزمون‌ها در این جهت بدون تردید همراه با خطا خواهد بود. اما تنها آنکسی که کاری انجام نمیدهد، اشتباه نمی‌کند».^(۴)

۱- ج ۴۳ - ص ۳۳۶

۲- تئوری‌های اضافه ارزش، ج ۱ - ص ۲۸۵

۳- «مارکس می‌گوید: «وجه مشخصه تقسیم کار در جامعه امروزی این واقعیت است که رشته‌های تخصصی، افراد متخصص و به‌مراه آن بلاهت تخصصی را بوجود می‌آورد» (فقر فلسفه)

۴- لنین - ج ۲۳ - ص ۲۳۳